

بررسی تطبیقی نظام حقوقی حاکم بر حمایت از آثار چندرسانه‌ای^۱

سعید حبیبی^۲

دانشیار حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه تهران

مجید حسین‌زاده^۳

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۴

تاریخ تأیید: ۹۲/۰۴/۳۰

چکیده

آثار چندرسانه‌ای از جدیدترین محصولات فکری فن‌آورانه در دو دهه اخیر محسوب می‌شوند که توانسته‌اند به علت خلاقیت و نوآوری بالا، در مدتی کم بازارهای بین‌المللی را به طور موفقیت‌آمیزی به قبضه خود درآورند. این آثار که ناشی از تراوش فکری افراد هستند به یقین ذیل چتر حمایتی نظام حقوق مالکیت فکری قرار می‌گیرند؛ اما مسئله اصلی تعیین نوع نظام حمایتی حاکم بر این آثار است. در این مقاله سعی شده است تا ضمن تأکید بر مطالعه تطبیقی، اولاً ماهیت حقوقی و فنی این آثار فکری جدید و عواملی که باعث انفکاک آن‌ها از سایر آثار فکری موجود می‌شود مشخص گردد و سپس فرآیند حمایت از آثار چندرسانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد و مشخص شود آیا امکان حمایت از آثار چندرسانه‌ای با توجه به قوانین کنونی مالکیت فکری در کشورهای مختلف وجود دارد یا خیر؟

واژگان کلیدی: آثار چندرسانه‌ای، تراوش فکری، قوانین مالکیت فکری، خلاقیت و نوآوری، نظام حقوقی مالکیت فکری

مقدمه

آثار چندرسانه‌ای^۴ آثاری هستند که در چند دهه اخیر به دلیل رشد روزافزون فن‌آوری پا به عرصه ظهور گذاشته‌اند، به نحوی که می‌توان به صراحت ادعان داشت این آثار از جدیدترین محصولات فن‌آوری نوین در عصر اطلاعات محسوب می‌شوند. بحث حمایت حقوقی از این آثار زمانی مورد توجه قرار گرفت که پژوهشگران فعال در حوزه نرم‌افزارها توانستند از طریق ترکیب

۱. این مقاله نتیجه طرح پژوهشی است که در مؤسسه حقوق تطبیقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران انجام شده است.

2. Email: habiba@ut.ac.ir

3. Email: hoseinzadeh1988@gmail.com

4. Multimedia Works

«نویسنده مسئول»

رسانه‌های مختلف مانند متن، عکس، گرافیک و صدا آثاری را تولید نمایند که در نوع خود منحصر به فرد بوده و دارای قابلیت تعامل بسیار بالا با کاربر خود می‌باشد، به صورتی که به کاربر امکان دست‌ورزی در نحوه چیدمان محتوای اثر فکری تولید شده را می‌دهد (Sundara, 2006: 196). بررسی تطبیقی قوانین کشورهای مختلف نشان می‌دهد که از اثر چندرسانه‌ای به‌رغم اهمیت اقتصادی آن به عنوان یک اثر فکری مورد حمایت به هیچ‌وجه نامی برده نشده است و این امر شبهه عدم امکان حمایت از این گونه آثار فکری را تقویت می‌کند. اما همان‌طور که مرسوم است هر اثری که نتیجه تلاش و تراوش فکری افراد باشد در حوزه حمایتی نظام حقوقی مالکیت فکری قرار می‌گیرد؛ در نتیجه آثار چندرسانه‌ای به دلیل اینکه محصول تلاش و کوشش فکری پدیدآورنده هستند اثر فکری تلقی گردیده و همواره باید مورد حمایت قانونگذار کشورهای مختلف قرار بگیرند (Stamiudi, 2003: 17). با این حال مسئله اصلی شناسایی فرآیند چگونگی حمایت از این دسته آثار می‌باشد. همان‌گونه که گفته خواهد شد آثار چندرسانه‌ای به دلیل پیچیدگی کارکرد فنی خود، میزان بازاریابی گسترده، اهمیت اقتصادی بالا و در نهایت ترکیب آثار فکری مختلف در حاملی واحد که امکان تعامل با کاربر خود را دارد باعث آن شده است که نتوان به راحتی تشخیص داد که این دسته آثار فکری در کدام یک از شاخه‌های حقوق مالکیت فکری مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ آیا یک اثر ادبی و هنری است و در قالب حقوق مالکیت ادبی و هنری مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ یا اینکه یک اختراع است و در قالب حقوق مالکیت صنعتی مورد حمایت قرار می‌گیرد؟ در راستای پاسخ به این سؤالات و تشخیص نحوه حمایت از این آثار، این مقاله در سه گفتار تنظیم شده است که در گفتار اول ساختار فنی و حقوقی این گونه آثار مورد مطالعه قرار گرفته و در گفتار دوم به بررسی فرآیند چگونگی حمایت از این گونه آثار پرداخته شده و در نهایت در گفتار سوم حقوق مترتب بر اثر چندرسانه‌ای مورد تحلیل قرار گرفته شده است.

۱- ساختار فنی و حقوقی اثر چندرسانه‌ای

اثر چندرسانه‌ای ارمغان فن‌آوری نوین در حوزه نرم‌افزارها می‌باشد و در طول چند سال اخیر توانسته است رشد قابل توجهی را در بازارهای بین‌المللی داشته باشد. این آثار با توجه به اهداف و کارکردهایی که از خود نشان می‌دهند از هم متمایز می‌شوند با این حال تفاوت در نوع کارکرد آن‌ها مانع ارائه تعریفی نمی‌شود که بتواند تمام ابعاد این گونه آثار را در بر بگیرد. در این

راستا می‌توان آثار چندرسانه‌ای را چنین تعریف نمود: «آثار چندرسانه‌ای آثاری هستند که محصول ترکیب دو یا چند اثر فکری یا در مواردی غیرفکری در قالب دیجیتال بر روی حاملی واحد هستند و به کاربر اجازه می‌دهند تا با استفاده از نرم‌افزار رایانه‌ای محتوای آن را به میزان قابل توجهی دست‌ورزی نمایند» (Torremans, 2007: 187).

همان‌گونه که از تعریف فوق بر می‌آید اثر چندرسانه‌ای دارای سه ویژگی اساسی و مهم می‌باشد که باید با هم و به طور همزمان وجود داشته باشند.

الف- دیجیتالی بودن^۱: فن‌آوری دیجیتال باید با فن‌آوری مشابه سنتی خود یعنی فن‌آوری آنالوگ متمایز گردد. فن‌آوری آنالوگ اطلاعات را به صورت سیگنال‌های ممتد نگهداری می‌کند و تغییرات موجود در اطلاعات را از طریق مدوله کردن طول موج یا تناوب سیگنال‌ها شناسایی می‌کند. تقریباً تمام برنامه‌های رادیویی یا رادیو تلویزیونی نوعی از فن‌آوری آنالوگ می‌باشند (William, Claw & Lee, 1996: 158). در مقابل فن‌آوری دیجیتال اطلاعات را پس از تبدیل آن به کدهای صفر و یک یا کدهای باینری در حافظه رایانه نگهداری می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم اثر چندرسانه‌ای این است که به صورت دیجیتالی به روی صفحه نمایش ظاهر می‌شود و فرض پذیرش آنالوگ بودن آن‌ها دور از ذهن می‌باشد. در نتیجه فن‌آوری دیجیتال که برای آفرینش اثر چندرسانه‌ای ضروری است به طور اساسی مبتنی بر رایانه می‌باشد. در واقع این رایانه است که اثر چندرسانه‌ای را از شکل سنتی آن به حالت دیجیتال تبدیل می‌کند و ظرفیت لازم برای دست‌ورزی این گونه آثار را فراهم می‌نماید.

ب- ترکیب و یکپارچه‌سازی^۲ آثار فکری: یکی دیگر از ویژگی‌های اثر چندرسانه‌ای این است که آثار خود متشکل از مجموعه‌ای به هم پیوسته از آثار فکری دیگر می‌باشد. این یکپارچگی و ترکیب باید چنان باشد که هر گونه تمایز یا حتی تلاش برای تمایز بین آثار فکری ترکیب شده که در واقع محتوای اثر چندرسانه‌ای هستند باعث از اعتبار افتادن اثر چندرسانه‌ای شود. در واقع از ترکیب شدن این آثار یک کل به وجود می‌آید که تحت عنوان اثر چندرسانه‌ای از آن یاد می‌شود.

نکته‌ای که ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد ماهیت محتوای اثر چند رسانه‌ای است. متن، صوت و تصویر در واقع مواد و محتوای اصلی اثر چندرسانه‌ای هستند. منظور از متن هر گونه نوشته‌ای است که در صفحه نمایش پدیدار می‌شود و می‌تواند بخشی از اثر کتاب، بخشی از یک مجله یا گزیده‌ای از یک روزنامه باشد. بنابراین الزاماً متن ظاهر در اثر چندرسانه‌ای نباید یک اثر

1. Digitization
2. Combination

فکری باشد بلکه می‌تواند یک نوشته معمولی باشد. علاوه بر این لازم نیست که یک اثر فکری از پیش موجود باشد، بلکه ممکن است در راستای آفرینش اثر چندرسانه‌ای و در قالب قرارداد کار یا قرارداد سفارش پدید آمده باشد. منظور از صوت مجموعه لحظات اصوات ناشی از یک اثر یا سایر اصوات است؛ مثل اثر موسیقایی یا سخنرانی یک شخص یا حتی صدای پرندگان (مستنبط از مواد ۱-۲۱۳ و ۱-۸۵ قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان).

منظور از تصویر مجموعه لحظات تصاویر ناشی از یک اثر یا سایر تصاویر و یا هر گونه تصویر ثابت یا تصویر متحرک یا حتی گزیده‌ای از یک اثر صوتی تصویری مثل فیلم است (مستنبط از مواد ۱-۲۱۵ و ۱-۹۴ قانون مالکیت فکری فرانسه و آلمان).

بنابر آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت محتوای اثر چندرسانه‌ای اگر چه در اغلب موارد ناشی از ترکیب آثار فکری است اما این امر مانع آن نیست که آثار غیرفکری هم محتوای اثر چندرسانه‌ای باشد؛ امری که احتمال آن بعید اما دور از ذهن نیست. با این حال آنچه در این مقاله مد نظر قرار گرفته است فرض غالب یعنی فرضی است که محتوای اثر چندرسانه‌ای ترکیب مجموعه‌ای از آثار فکری باشد.

ج- تعاملی بودن^۱: این ویژگی مهم‌ترین ممیزه اثر چندرسانه‌ای است که باعث می‌شود اثر چندرسانه‌ای منحصر به فرد باشد؛ و از سایر آثار فکری کنونی نظیر آثار صوتی تصویری^۲ یا پایگاه‌های داده^۳ متمایز گردد. تعاملی بودن اثر چندرسانه‌ای به این معناست که کاربر می‌تواند با محتوای اثر چندرسانه‌ای کنش و واکنش و عرفاً نوعی گفتگو داشته باشد، به طوری که بتواند محتوای اثر را به میزان قابل توجهی مورد دست‌ورزی و دخالت خود قرار دهد؛ و در نحوه چیدمان، تنظیم و محتوای اثر نوعی دگرگونی ایجاد نماید (Feldman, 1999: 8). این ویژگی به کاربر امکان می‌دهد تا اطلاعات و آثار نمایش داده شده اثر چندرسانه‌ای بر روی صفحه نمایش را بر اساس نیازهای خود مجدداً ترتیب‌بندی و تنظیم‌بندی نماید. تعامل حاصله از طریق رایانه امکان‌پذیر است و کاربر می‌تواند به وسیله نرم‌افزار رایانه‌ای این دگرگونی را به منصفه ظهور برساند. با این حال تعامل خود دارای دو محدودیت ذاتی است. اولاً، دست‌ورزی کاربر نسبت به چیدمان، تنظیم و نحوه ارائه اطلاعات و محتوای اثر ضرورتاً محدود به گزینه‌هایی است که قبلاً توسط پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای ایجاد شده است؛ ثانیاً، نرم‌افزار ساخت و اجرای

1. Interactivity
2. Audiovisual
3. Database

اثر چندرسانه‌ای خود فی‌نفسه ممکن است میزان تعامل را کاهش دهد اگر چه این کاهش نباید آن قدر باشد که باعث خروج اثر از عنوان چندرسانه‌ای شود. نکته‌ای که ذکر آن در شناسایی میزان تعامل در اثر چندرسانه‌ای ضروری به نظر می‌رسد شناسایی سطوح تعامل در آثار مختلف می‌باشد. در این راستا برای میزان تعامل پنج سطح در نظر گرفته شده است:

سطح اول - عدم وجود تعامل: مانند یک فیلم سینمایی کاربر از ابتدا تا انتهای آن را تماشا می‌کند بدون اینکه بتواند چیدمان سکانس‌های تصویری آن را مورد دست‌ورزی قرار دهد؛
سطح دوم - تعامل دستی: مانند دستورهایی که روی یک رادیو وجود دارد و به کاربر امکان دست‌ورزی دستی نظیر اسکن، حرکت تند یا آهسته را می‌دهد؛
سطح سوم - تعامل محدود: مانند پیش برنامه‌نویسی یا دانلود دستورالعمل‌های خاص از طریق ریزپردازنده در یک پخش‌کننده فیلم؛
سطح چهارم - تعامل چندبعدی: مانند وصل نمودن یک پخش‌کننده ویدئویی به یک رایانه خارجی و فراهم نمودن امکان دست‌ورزی برای کاربر؛
سطح پنجم - تعامل کامل: پدیدآوردن و اجرای یک بسته نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری جامع (Choe, 1994: 940).

آثار چندرسانه‌ای در صورتی می‌توانند به عنوان یک اثر فکری مستقل مورد حمایت قرار گیرند که میزانی از تعامل سطح چهارم یا پنجم را دارا باشند و در این صورت است که می‌توان ادعا کرد، گفتگوی فرضی کاربر با اثر به حیطة عمل آمده است. سه ویژگی یاد شده مکمل هم بوده و مقتضای ذات اثر چندرسانه‌ای‌ها هستند. با این حال باید توجه نمود آنچه در این مقاله مورد نظر است نسل دوم آثار چند رسانه‌ای است. توضیح اینکه، اشکال ابتدایی آثار چندرسانه‌ای (نسل اول آثار چندرسانه‌ای) ممکن است دارای سه ویژگی یاد شده باشند، اما فاقد شرایط کیفی لازم باشند (Liestol, Morrison & Rasmussen, 2003: 162). به عنوان مثال ممکن است آثار چنان با هم ترکیب نشده باشند که از هم غیرمتمایز باشند یا میزان تعامل کاربر با اثر به میزان قابل توجه نیست به گونه‌ای که به کاربر امکان دست‌ورزی نحوه چیدمان و تنظیم اثر را بدهد؛ مثل بازی‌های رایانه‌ای. این گونه آثار چندرسانه‌ای نسل اول خارج از تعریف اثر چندرسانه‌ای به گونه‌ای که مقصود مقاله است می‌باشد و حسب مورد می‌تواند از طریق نظام‌های فعلی مالکیت فکری مورد حمایت قرار گیرند.

۲- فرآیند حمایت از آثار چندرسانه‌ای

همان‌گونه که گفته شد آثار چندرسانه‌ای آثار پیچیده‌ای هستند که از طریق ترکیب آثار فکری دیگر در قالب دیجیتال بر روی حامل واحد به وجود آمده و قابلیت دست‌ورزی از طریق رایانه را دارند. این خود به تنهایی دلالت بر آن دارد که در آفرینش یک اثر چندرسانه‌ای عناصر و حتی افراد گوناگونی ممکن است حضور داشته باشند که حمایت از همه آن‌ها در ذیل یک چتر واحد ممکن نیست. بنابراین ضرورتاً لایه‌های حمایتی گوناگونی به وجود می‌آید که حمایت دقیق از آثار چندرسانه‌ای را تا حدودی دشوار می‌سازد. از این رو در وهله اول باید موضوع مورد حمایت را مشخص نموده و در وهله دوم اشخاص مورد حمایت تعیین شوند. چرا که پس از شناسایی موضوع مورد حمایت شناسایی افرادی که حقوق ناشی از اثر به آن‌ها تعلق می‌گیرد ضروری است و در نهایت نظام حاکم بر حمایت از این آثار با توجه به دو مورد اخیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- موضوع مورد حمایت

در ارتباط با اثر چندرسانه‌ای سه لایه حمایتی مهم را باید از هم تفکیک نمود و مشخص نمود حمایت از آثار چندرسانه‌ای ناظر بر کدامیک از لایه‌های ذیل می‌باشد. این سه لایه عبارتند از:

الف- حمایت از محتوای اثر چندرسانه‌ای: محتوای اثر چندرسانه‌ای متشکل از آثار فکری از پیش موجود یا آثار فکری که در قالب قرارداد کار یا قرارداد سفارش برای شمول در اثر چندرسانه‌ای آفریده شده‌اند، یا حتی در مواردی آثار غیرفکری نظیر آواز پرنندگان یا صدای طبیعت می‌باشد.

ب- حمایت از پایگاه فنی اثر چندرسانه‌ای: منظور از پایگاه فنی اثر چندرسانه‌ای نرم‌افزارهایی هستند که یا برای تولید و اجرا اثر چندرسانه‌ای استفاده می‌شوند یا شامل نرم‌افزارهایی می‌شود که به کاربر امکان دست‌ورزی در اطلاعات موجود در صفحه نمایش را در راستای تحقق تعامل می‌دهند (9: Raysman, Brown & Neuburger).

ج- حمایت از خود اثر چندرسانه‌ای به عنوان یک کل: آنچه در این لایه مورد توجه قرار می‌گیرد حمایت از اثر چندرسانه‌ای صرف نظر از محتوا و پایگاه فنی آن می‌باشد. در واقع ترکیب نمودن چندین اثر فکری در قالب دیجیتال بر روی حامل واحد با قابلیت تعامل قابل توجه با کاربر خود باعث ایجاد حقوقی برای پدیدآورنده آن می‌شود که متفاوت با حقوق صاحبان اثرهای موجود در محتوای اثر چندرسانه‌ای بوده و دارای ارزشی مستقل از آن‌ها می‌باشد.

با توجه به سه مورد بالا باید گفت منظور از شناسایی نظام حقوقی حاکم بر آثار چندرسانه‌ای شناسایی نظام حمایتی حاکم بر لایه سوم است؛ چرا که اولاً، محتوای اثر چندرسانه‌ای خود به طور مستقل از طریق حقوق ادبی هنری یا حق اختراع یا علامت تجاری یا سایر نظام‌های حمایتی مالکیت فکری قابل حمایت است و نیاز به حمایت مجدد ندارد. ثانیاً، پایگاه فنی آثار چندرسانه‌ای اگر چه وجودشان لازمه کارایی این آثار هم در مرحله تولید و هم در مرحله اجرا و دست‌ورزی می‌باشد، اما در هر حال علاوه بر اینکه خود به طور مستقل از طریق نظام حقوقی حاکم بر نرم‌افزارها قابل حمایت‌اند، کارکرد فنی‌شان مانع حمایت آن‌ها و اثر چندرسانه‌ای تحت چتر واحد می‌باشد. بنابراین هدف اصلی، شناسایی نظام حقوقی حاکم بر خود اثر چندرسانه‌ای به عنوان یک اثر مستقل از عناصر تشکیل‌دهنده آن است، همان‌گونه که این مهم در مورد آثار جمعی هم که در ذیل توضیح داده خواهد شد قابل صدق است.

۲-۲- اشخاص مورد حمایت

به طور معمول در پدید آمدن اثر چندرسانه‌ای افراد مختلفی درگیر می‌شوند، اما این تعدد مشارکت همگی را مستحق حمایت به عنوان پدیدآورنده اثر نمی‌کند. اصولاً در آفرینش اثر چندرسانه‌ای افراد ذیل دخالت دارند:

الف- پدیدآورندگان آثاری که محتوای اثر چندرسانه‌ای را تشکیل می‌دهد: این اشخاص یا پدیدآورنده اثر فکری از پیش موجود هستند و اجازه می‌دهند در قبال اخذ عوضی از آن‌ها به عنوان محتوای اثر چندرسانه‌ای استفاده شود یا اینکه در راستای قرارداد کار یا قرارداد سفارش مبادرت به آفرینش اثر برای گنجاندن آن‌ها در قالب اثر چندرسانه‌ای می‌نمایند.

ب- ویرایشگر^۱ اثر چندرسانه‌ای: ویرایشگر اثر چندرسانه‌ای در واقع معمار اثر محسوب می‌شود. وی کسی است که از بین آثار فکری مختلف آثاری که باید به عنوان محتوای اثر مورد استفاده قرار گیرند را برمی‌گزیند و آن‌ها را به گونه‌ای با هم ترکیب می‌کند که امکان تعامل با کاربر را داشته باشد. علاوه بر این در مواردی هم وی سرمایه‌گذاری اثر را بر عهده دارد و بودجه آفرینش، تولید و توزیع اثر را به عهده می‌گیرد.

ج- تولید کننده^۲ اثر چندرسانه‌ای: تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای نقشی مکمل دارد؛ به این معنی که وی کسی است که هزینه‌های تولید و بازاریابی اثر را در صورت عدم تحمل آن به

1. Editor

2. Producer

وسيله ویرایشگر به عهده می‌گیرد. امروزه به دلیل پیچیدگی آثار چندرسانه‌ای و هزینه بر بودن فرآیند تولید، تحقیق و توسعه و بازاریابی این محصولات اغلب موارد ویرایشگر خود قادر به تأمین این هزینه‌ها نمی‌باشد و در نتیجه تولیدکننده با سرمایه‌گذاری‌های لازم این هزینه‌ها را به عهده می‌گیرد.

د- توسعه‌دهنده^۱ اثر چندرسانه‌ای: توسعه‌دهنده معمولاً کسی است که وظیفه سازماندهی فنی اثر را به عهده دارد. وی کسی است که برنامه رایانه‌ای را برای تولید و اجرای اثر چندرسانه‌ای طراحی می‌کند، یا آثاری که باید محتوای اثر را تشکیل دهد به صورت دیجیتال تبدیل می‌کند و هیچ نقشی در بیکره‌بندی و تنظیم ساختمان اثر ندارد.

به نظر می‌رسد حقوق معنوی ناشی از آفرینش اثر چندرسانه‌ای به ویرایشگر اثر تعلق می‌گیرد. وی پدیدآورنده اثر محسوب می‌گردد چرا که خلاقیت انتخاب و نحوه چیدمان و تنظیم و ترکیب آثار در قالب یک اثر چندرسانه‌ای به نحوی که امکان تعامل با کاربر را داشته باشد بر عهده وی می‌باشد. در مقابل حقوق مادی این آثار متعلق حق تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای است چرا که وی به امید بازاریابی هزینه‌های متحمل شده حاضر به سرمایه‌گذاری در اثر شده است. با این حال اگر ویرایشگر اثر چندرسانه‌ای خود سرمایه‌گذاری‌های لازم برای تولید و بازاریابی این آثار را به عهده گرفته باشد، در این صورت علاوه بر حقوق معنوی حقوق مادی ناشی از اثر به وی تعلق خواهد گرفت. تعداد حقوق معنوی و مادی مترتب بر آثار چندرسانه‌ای و نحوه تعلق آن‌ها به اشخاص اخیرالذکر در فصل سوم مورد بررسی قرار گرفته است.

در مورد دسته اول باید گفت پدیدآورندگان آثاری که محتوای اثر را تشکیل می‌دهند خود به طور مستقل مورد حمایت هستند و حقوق تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای مستقل از حقوق ایشان است. در مورد دسته سوم هم باید گفت نقش ایشان محدود به انجام امور فنی اثر چندرسانه‌ای بوده و خلاقیتی در بیکره‌بندی و نحوه آفرینش اثر ندارند در نتیجه حمایت ناشی از اثر چندرسانه‌ای به مفهوم فوق شامل ایشان نمی‌گردد.

۲-۳- تحلیل نظام حقوقی حاکم بر حمایت از اثر چندرسانه‌ای

همان‌گونه که گفته شد آثار چندرسانه‌ای برگرفته از تراوش‌های فکری اشخاص حقیقی هستند و در نتیجه تحت سیطره نظام حقوقی مالکیت فکری مورد حمایت قرار می‌گیرند. این آثار محصول فن‌آوری نوین می‌باشند که در نتیجه ترکیب آثار فکری مختلف از طریق نرم‌افزارهای

1. Developer

رایانه‌ای به وجود آمده‌اند. با این حال مسئله اصلی تعیین نوع نظام حمایتی حاکم بر این آثار است، زیرا آثار چندرسانه‌ای دارای ماهیت چندگانه هستند که باعث می‌شود نتوان نظام حقوقی حاکم بر حمایت از این آثار را به راحتی مشخص نمود. در این راستا تعیین نوع نظام حمایتی منوط به توجه به دو نکته است: اولاً، باید مشخص نماییم که قصد حمایت از کدامیک از بخش‌های اثر چندرسانه‌ای را داریم و ثانیاً، اذعان داریم تعیین نظام حمایتی بستگی به ساختار و فرآیند کلی تولید اثر چندرسانه‌ای دارد.

همان‌گونه که گفته شد آنچه در حمایت از اثر چندرسانه‌ای مد نظر است حمایت از خود اثر چندرسانه‌ای به عنوان یک کل است و سایر بخش‌های اثر چندرسانه‌ای به‌رغم تشکیل بخشی از اثر چندرسانه‌ای از حیطه حمایت به این مفهوم خارج است بنابراین با این دیدگاه می‌توان سه نظر در راستای تعیین نظام حمایتی حاکم بر آثار چندرسانه‌ای ابراز داشت.

۱- حمایت از اثر چندرسانه‌ای در قالب حق اختراع: اولین نظری که می‌توان در این مورد ابراز داشت، حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب حق اختراع است. ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس مقرر می‌دارد: «یک اختراع در صورتی قابل ثبت است که جدید، دارای گام ابتکاری و کاربردی صنعتی باشد». در ارتباط با اثر چندرسانه‌ای باید گفت صرف نظر از ابزارهای فنی‌ای که اثر چندرسانه‌ای را تولید و اجرا می‌کنند به هیچ‌وجه نمی‌توان جایگاهی برای گام ابتکاری و کاربردی صنعتی اثر پیدا نمود. اگر چه آثار چندرسانه‌ای دارای بازاریابی بسیار وسیعی هستند اما وسعت میزان بازاریابی دلیلی بر کاربرد صنعتی این دسته آثار ندارد و این آثار در هیچ‌یک از رشته‌های صنعت قابل ساخت و تولید نیستند. علاوه بر آن، این آثار اگر چه جدید هستند اما فاقد گام ابتکاری می‌باشند. منظور از گام ابتکاری این است اختراع باید در نزد یک فرد دارای مهارت متعارف در حوزه مربوطه بدیهی نباشد و باعث آن شود که دانش کنونی گامی به جلو در راستای حل یک مشکل بر دارد (Cornish, 2003: 146). از این دیدگاه آثار چندرسانه‌ای به‌رغم جدید بودن فاقد گام ابتکاری می‌باشند، زیرا اولاً، ساختار آن‌ها به گونه‌ای است که در نزد یک فرد دارای مهارت متعارف در حوزه نرم‌افزارهای رایانه‌ای بدیهی می‌باشند و دارای پیچیدگی خاص برای احراز نحوه آفرینش و کارکرد نیستند. به عبارتی دیگر فرد دارای مهارت متعارف در حوزه مربوطه می‌تواند بدون تلاش چندانی از طریق ملاحظه زبان برنامه نحوه ساخت و کارکرد آن‌ها را بفهمد. ثانیاً، این دسته آثار به‌رغم فن‌آورانه بودنشان باعث آن نمی‌شوند که دانش کنونی گامی به جلو بردارد به نحوی که بتواند مشکلی را در یک حرفه،

فن، فن‌آوری، صنعت و مانند آن‌ها حل نماید. بنابراین به نظر می‌رسد که احتساب این دسته آثار در قالب حق اختراع خارج از مفهوم اختراع می‌باشد.

۲- حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب علامت تجاری: نظر دیگری که در راستای حمایت از آثار چندرسانه‌ای می‌توان ابراز داشت حمایت از این آثار در قالب علامت تجاری است. این نظام اگر چه در نگاه اول نظامی مطلوب در راستای حمایت از آثار چندرسانه‌ای به نظر می‌رسد، اما باید اذعان داشت که کارکرد علائم تجاری علاوه بر ویژگی تمایزبخشی که ناظر به تمایز کالاها و خدمات یک تاجر از تاجر دیگر می‌باشد کارکرد تبلیغاتی و بازاریابی است؛ به این مفهوم که علامت تجاری بر آن است تا با شناساندن کالاها یا خدمات تحت نشانی خاص بازار مصرفی خاصی را ایجاد نماید (Dinwoodie, 2008: 52).

چنین کارکردی معطوف به منافع اقتصادی تاجر است و شاخصه‌ای برای حمایت از خود کالاها یا خدمات فی‌نفسه ندارد در حالی که هدف اصلی در اینجا شناسایی یک نظام حمایتی ناظر به خود اثر چندرسانه‌ای است. بنابراین اگر چه نظام علائم تجاری می‌تواند در مرحله بازاریابی حامی آثار چندرسانه‌ای باشد و مانع از انجام هر گونه اعمال متقلبانه توسط سایر تاجر نسبت به اثر شود، اما شاخصه‌ای برای حمایت از خود اثر چندرسانه‌ای به عنوان یک اثر خلاقانه ندارد.

۳- حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب حقوق ادبی و هنری: نظر دیگری که در تعیین نظام حقوقی حاکم بر آثار چندرسانه‌ای می‌توان ابراز داشت حمایت از این دسته آثار تحت عنوان نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشد. در هیچ‌یک از قوانین ملی و بین‌المللی نامی از این آثار چندرسانه‌ای به عنوان یک اثر ادبی و هنری برده نشده است. عدم ذکر این آثار در قوانین مختلف به دلیل عدم حمایت از این دسته آثار تحت حمایت حقوق ادبی و هنری نمی‌باشد، بلکه به این دلیل است که اولاً، این آثار محصول فن‌آوری نوین می‌باشند و در زمان تدوین قوانین ملی و بین‌المللی چندان مطرح نبوده‌اند. ثانیاً، این آثار برای ادبیات حقوقی بسیار جدید بوده به نحوی که هنوز تدبیری دقیق مبنی بر تعیین نظام حمایتی آن پیش‌بینی نشده است.

به نظر می‌رسد از بین سه نظر ارائه شده بهترین مورد سوم باشد؛ زیرا اگر چه در هیچ‌یک از قوانین ملی و بین‌المللی نامی از این آثار برده نشده است اما ماهیت این آثار به‌رغم داشتن پایگاه فنی و میزان تعامل قابل توجه با کاربر بسیار شبیه به برخی آثار ادبی و هنری نظیر مجموعه‌ها یا پایگاه‌های داده می‌باشد. علاوه بر این آثار چندرسانه‌ای همانند سایر آثار ادبی و هنری دارای مفهوم اصالت می‌باشند و در نتیجه اصیل تلقی می‌گردند. این اصالت آثار

چندرسانه‌ای همانند پایگاه‌های داده و گلچین‌ها در پیکره‌بندی و نحوه چیدمان و تنظیم محتوای اثر نهفته شده است (زرکلام، ۱۳۸۸: ۵۳ و ۶۵). نکته حائز اهمیت این است که اگر چه تمام کشورها در اصالت اثر ادبی و هنری برای حمایت اتفاق نظر دارند اما در میزان این مهم اتفاق نظر ندارند چه بسا که در حقوق انگلیس صرف اینکه اثر ناشی از کار و تلاش پدیدآورنده باشد و رونوشت اثر دیگری نباشد اصیل تلقی می‌گردد در صورتی که در کشورهای نظیر فرانسه و آلمان اثر در صورتی اصیل تلقی می‌گردد که نشانی از شخصیت پدیدآورنده داشته باشد (کلمبه، محمدزاده، ۱۳۸۵: ۳۵ و ۳۸) و (Cotter & Marie, 2003: 59). با این حال باید گفت امروزه به دلیل رشد و توسعه فن‌آوری آفرینش آثاری که نشانی از شخصیت پدیدآورنده داشته باشد بسیار مشکل است. در نتیجه باید گفت مفهوم اصالت، بیشتر مبتنی بر ملاحظات مالی شده است تا اینکه نشانی از شخصیت پدیدآورنده باشد، تا جایی که دیوان عالی فرانسه در رأی معروف به پاچوت^۱ اصالت را به معنای نشان‌آورده فکری دانسته است و از مفهوم شخصی اصالت آن گونه که باید اثر نشانی از شخصیت پدیدآورنده داشته باشد رویگردان شده و به آن مفهوم کاملاً نوعی بخشیده است (Cass. Ass.plen.7 Mars 1986). آثار چندرسانه‌ای آثاری خلاقانه بوده که ناشی از تراوش ذهنی افراد می‌باشد و از آنجا که اغلب شامل مجموعه‌ای منحصراً به فرد از آثار ادبی و هنری مثل عکس، موسیقی، اثر مکتوب یا سایر آثار غیرفکری می‌باشد، در نتیجه بهترین نظام برای حمایت این دسته آثار نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری می‌باشد و نحوه چیدمان، تنظیم و پیکره‌بندی محتوای اثر چندرسانه‌ای با توجه به خلاقیت پدیدآورنده می‌تواند اصالت اثر را به منصفه ظهور برساند.

حال آنکه نظام حمایتی آثار چندرسانه‌ای مشخص گردید باید روشن شود آیا لازم است اثر چندرسانه‌ای در قالب یکی از مصداق‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار گیرد تا مورد حمایت واقع شود؟ یا صرف اینکه اثر اصیل بوده و به نحوی از انحاء ابراز گردد (صرف نظر از تفاوت در فرآیند ابراز در کشورهای مختلف) حمایت قابل اعمال است و تطبیق آن با یکی از مصداق‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری لازم نیست؟ پاسخ به سؤال مذکور نیازمند تشریح دو رویکرد متفاوت در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف می‌باشد که به ترتیب ذیل می‌باشد.

رویکرد اول: در برخی از کشورها برای اینکه یک اثر مشمول حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار گیرد لازم است اولاً، اثر اصالت داشته باشد؛ و ثانیاً، صرف نظر از روش و شکل ابراز

1. Pachot

به نحوی بیان شده باشد؛ اعم از اینکه در قالب یکی از مصداق‌های حقوق مالکیت ادبی و هنری مصرحه در قانون بگنجد یا نگنجد. کنوانسیون برن در بند ۱ ماده ۲ چنین روندی را برگزیده و مقرر می‌دارد: «اصطلاح اثر ادبی و هنری تمامی آفرینش‌های مربوط به گستره ادبی، علمی و هنری صرف نظر از نوع یا شکل ابراز آن‌ها را در بر می‌گیرد ...». اصطلاح اثر در حیطه حقوق مالکیت ادبی و هنری ناظر بر هرگونه آفرینش اصیل فکری می‌باشد و مفهوم اصالت در واژه اثر گنجانیده شده است (مستتبط از بند ۱ ماده ۲ قانون حق مؤلف یونان مصوب ۱۹۹۳). چنین رویکردی در ماده ۱ قانون حق مؤلف بلژیک مصوب ۱۹۹۴ و ماده ۱-۱۱۲ قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ و بند ۱ ماده ۲ قانون حق مؤلف یونان مصوب ۱۹۹۳ و بند الف ماده ۱۰۲ قانون حق مؤلف آمریکا مصوب ۱۹۸۸ دیده می‌شود که نشانگر روشن‌بینی قانونگذاران این کشورها مبنی بر گستراندن حوزه حمایتی حقوق مالکیت ادبی و هنری به آثار خلاقانه اصیل صرف نظر از نوع آن‌ها می‌باشد. در این دسته کشورها تعیین نوع مصداق اثر ادبی و هنری در مواردی مهم است که قانونگذار مقرره خاصی برای برخی آثار مشخص نموده باشد. مثلاً نظام حاکم بر حمایت از پایگاه‌های داده در فرانسه که قانونگذار در سال ۱۹۹۸ مقرراتی خاص را برای آن تعیین نمود و آن را تابع نظام حمایتی خاص قرار داد (مواد ۱-۳۴۱ الی ۴-۳۴۳). در این کشورها اگر هم از مصداق آثار ادبی و هنری در قوانین سخن به میان آمده است جنبه کاملاً تمثیلی دارد و گستره آثار ادبی و هنری فراتر از موارد مقرر قانونی می‌شود (مثل ماده ۲-۱۱۲ قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲).

رویکرد دوم: در برخی دیگر از کشورها شرط اصلی حمایت از اثر ادبی و هنری این است که اثر در قالب یکی از مصداق‌های اثر ادبی و هنری که در قانون تصریح شده است قرار گیرد. در غیر این صورت اثر مورد حمایت قانونگذار قرار نمی‌گیرد، اگر چه آفرینشی اصیل باشد و به نحوی از انحاء ابراز گردیده باشد (Sterling, 2003: 225). چنین رویکردی در ماده ۱ قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸ و ماده ۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران مصوب ۱۳۴۸ دیده می‌شود که حمایت را فقط محدود به آثار مصرحه در قانون کرده‌اند. البته قانونگذار ایران در بند ۱۲ ماده ۲ قانون مذکور در راستای نام بردن از اثرهای مورد حمایت مقرر می‌دارد: «هر گونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نام برده در این قانون پدید آمده باشد». این بند نوید آن را می‌دهد که آثار چندرسانه‌ای با توجه به اینکه یک اثر مبتکرانه هستند و اغلب از ترکیب آثاری به

وجود آمده‌اند که در ماده مذکور ذکر گردیده‌اند پس در نتیجه از دیدگاه قانونگذار ما آثار چندرسانه‌ای مورد حمایت هستند. این دیدگاه اگر چه ظاهراً معقول به نظر می‌رسد، اما قابل قبول نیست. چرا که اولاً، قانون مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در مواد ۲۳ تا ۳۲ برای ناقضین آثار ادبی و هنری مجازات پیش‌بینی کرده است و تفسیر به نفع متهم ایجاب می‌کند که از گستراندن حیطه آثار ادبی و هنری در ماده ۲ اجتناب کنیم. ثانیاً، در زمان تصویب قانون مذکور حتی زمزمه‌های حمایت از آثار چندرسانه‌ای نسل اول مطرح نبود، چه رسد به اینکه آثار چندرسانه‌ای نسل دوم که محصول فن‌آوری مدرن دو دهه اخیر و موضوع مقاله کنونی است مورد توجه قانونگذار بوده باشد. ثالثاً، اگر استدلال فوق را بپذیریم، این سؤال پیش می‌آید که چرا قانونگذار در سال ۱۳۷۹ مبادرت به تصویب قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای نمود، در حالی که در بند ۱۱ ماده ۲ قانون اخیر هر اثری را که جنبه فنی و ابداع داشته باشد را مورد حمایت قرار داده است؟ به طور مسلم نرم‌افزارهای رایانه‌ای از این تعریف به دور نیستند. چه بسا که قانونگذار با چنین استدلال مشابهی دست به تصویب قانون سال ۱۳۷۹ زده و از تسری بند ۱۱ ماده ۲ به نرم‌افزارهای رایانه‌ای اجتناب کرده است. بنابراین باید گفت قانونگذار ما همانند قانونگذار انگلیس نه تنها حمایت از آثار چندرسانه‌ای بلکه حتی حمایت از هر اثر ادبی و هنری که خارج از موارد مصرحه در قانون است را مورد پذیرش قرار نداده است. با این حال نباید به این امر چنین مطلق نگریست و در مواردی دیده می‌شود که قانونگذار کشورمان با ظرافتی خاص برخی از مصادیق آثار چندرسانه‌ای را مورد حمایت قرار داده است. نمونه بارز این موارد ماده ۱۶۰ قانون برنامه سوم توسعه مصوب سال ۱۳۷۹ است که مقرر می‌دارد: «گزارش‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌ها و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای به عنوان اثر مشمول مفاد قانون حمایت از مصنفان، مؤلفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ می‌شود ...». علاوه بر این ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیک حمایت از پایگاه داده را در بستر مبادلات الکترونیک مورد حمایت قرار داده است و از آنجا که پایگاه داده چندرسانه‌ای با قابلیت تعامل بالا با کاربر یکی از مصادیق اثر چندرسانه‌ای است در نتیجه پایگاه داده‌های چندرسانه‌ای هم مورد حمایت قانونگذار ما قرار گرفته‌اند. با این حال گستره مصادیق آثار چندرسانه‌ای بسیار بیشتر از چند مورد ذکر شده می‌باشد و ذکر حمایت از چند مورد از آثار چندرسانه‌ای در قوانین مختلف موجب آن نمی‌شود که استدلال کنیم که قانونگذار ما حمایت از آثار چندرسانه‌ای را به طور مطلق مد نظر داشته است.

خلاء ناشی از عدم حمایت از آثار چندرسانه‌ای در کشورهای دسته دوم موجب از بین رفتن انگیزه آفرینش به علت عدم وجود حمایت قانونی و همچنین عدم تمایل تولیدکنندگان آثار چندرسانه‌ای به سرمایه‌گذاری به خاطر عدم امکان بازایی سرمایه‌گذاری انجام شده می‌شود. در این راستا چهار راه‌حل را به منظور حمایت از آثار چندرسانه‌ای در این دسته کشورها ارائه شده است. الف- حمایت از آثار چندرسانه‌ای از طریق جای دادن آن‌ها در قالب یکی از آثار ادبی و هنری موجود: به عنوان مثال می‌توان از این آثار در قالب نرم‌افزارهای رایانه‌ای حمایت کرد. چرا که نه تنها آفرینش بلکه اجرای آثار چندرسانه‌ای بدون کمک رایانه ممکن نیست یا اینکه این آثار را در قالب مجموعه‌ها یا پایگاه‌های داده مورد حمایت قرار داد زیرا محتوای این آثار در واقع ترکیبی از آثار فکری متعدد بر روی حامل واحد است (Stamatoudi, 2003: 192).

ب- حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب مصداق‌های ادبی و هنری متعدد: به این معنی که می‌توان بخش‌های متعدد اثر چندرسانه‌ای را در قالب مصداق‌های متفاوت حقوق مالکیت ادبی و هنری مورد حمایت قرار داد. به عنوان مثال، می‌توان بخش فنی و نرم‌افزاری اثر چندرسانه‌ای را در قالب نرم‌افزارها و محتوای آن را در قالب پایگاه داده یا مجموعه‌ها یا آثار صوتی و تصویری مورد حمایت قرار داد (Sirinelli, 1995: 522).

ج- حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب آثار جمعی: توضیح اینکه به استناد ماده ۲-۱۱۳ قانون مالکیت فکری فرانسه آثار بر مبنای نوع مشارکت پدیدآورندگان آن به سه دسته آثار جمعی، آثار اشتقاقی و آثار مشترک تقسیم می‌شوند. اثر مشترک به اثری گفته می‌شود که بیش از یک شخص حقیقی در خلق آن دخالت داشته‌اند. همچنین اثر اشتقاقی به اثر جدیدی گفته می‌شود که با استفاده از اثر سابقاً موجود ولی بدون همکاری مؤلف آن به وجود آمده باشد و در نهایت اثر جمعی به اثری گفته می‌شود که به ابتکار شخص حقیقی و حقوقی که اثر تحت نام وی فاش می‌شود، آثار مختلف چنان با هم ترکیب شده و اثری جدیدی را به وجود می‌آورند که امکان استناد آثار تشکیل‌دهنده محتوای اثر به پدیدآورندگان آن ممکن نمی‌باشد. در این راستا اثر چندرسانه‌ای به علت شباهت بسیار بالایی که با اثر جمعی دارد می‌تواند به عنوان یک اثر جمعی مورد حمایت قانونگذار قرار بگیرد (Edelman, 1995: 114).

د- حمایت از آثار چندرسانه‌ای در قالب نظام حمایتی خاص^۱: به این معنی که می‌توان از طریق ایجاد یک نظام حمایتی خاص که متفاوت از حقوق مالکیت ادبی و هنری اما مکمل آن

است از این دسته آثار فکری حمایت نمود. این نظام در کشورهای دسته اول در صورتی مبادرت به حمایت از اثر می‌نماید که اثر فاقد اصالت باشد یا ابراز نگردیده باشد و نتواند حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری را جذب نماید. در نتیجه نظام حمایتی خاص جایگزین آن می‌شود و نقش مکملی دارد. در کشورهای دسته دوم هم به دلیل عدم حمایت نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری از این آثار، نظام حمایتی خاص به طور مطلق اعمال می‌شود و مشروط به شرطی نمی‌باشد، اما در هر حال نقش تکمیلی خود را از دست نمی‌دهد.

راه‌حل‌های ارائه شده اگر چه مطلوب به نظر می‌رسند اما بی‌ایراد نیستند. در مورد راه‌حل اول باید گفت، حمایت از اثر چندرسانه‌ای در قالب یکی از آثار موجود باعث تسری تمام ویژگی‌های آن به اثر چندرسانه‌ای می‌شود. به عنوان مثال، حمایت از اثر چندرسانه‌ای در قالب نرم‌افزار شبهه تسری حمایت از تمام اثر را در قالب نرم‌افزار ایجاد می‌کند. حال آنکه ابعاد فنی و نرم‌افزاری اثر چندرسانه‌ای بسیار ناچیزتر از محتوای آن است. در مورد راه‌حل دوم هم باید گفت تمام بخش‌های اثر چندرسانه‌ای در ارتباط با هم یک کل را تشکیل می‌دهند که همین کل به عنوان آفرینش فکری مورد حمایت قرار می‌گیرد. حمایت از بخش‌های متعدد آن در قالب مصادیق متفاوت این یکپارچگی و همزیستی را بر هم زده و هویت اثر چندرسانه‌ای را با ابهام روبرو می‌سازد. در مورد راه‌حل سوم باید ابراز داشت که اولاً، هدف اصلی در اینجا شناسایی اثر چندرسانه‌ای و متعاقباً حمایت از آن بر مبنای ماهیت آن است نه بر مبنای میزان مشارکت پدیدآورندگان آن؛ ثانیاً، آثار جمعی در ادبیات حقوقی بسیاری از نظام‌های حقوقی بیگانه هستند و آن گونه که در نظام حقوقی فرانسه به عنوان مبتکر این دسته آثار تعریف شده‌اند وجود ندارند (نام اثر جمعی برای اولین بار در قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۵۷ به کار برده شد). با این حال برخی حقوقدانان اظهار داشته‌اند که این دسته آثار در بسیاری از قوانین ملی تصریح شده و مورد شناسایی قانونگذار قرار گرفته‌اند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷: ۳). ایشان در راستای اثبات سخن تنها به قانون مالکیت فکری فرانسه تمسک جسته و از استناد به سایر قوانین احتراز کرده‌اند. به نظر می‌رسد که نظر مذکور چندان مورد پذیرش نباشد، زیرا در حال حاضر قوانین مختلفی وجود دارند که آثار مذکور را به رسمیت نشناخته و از آن‌ها نامی نبرده‌اند. به عنوان مثال، در بند ۱ ماده ۱۰ قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸، ماده ۸ قانون مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط آلمان مصوب ۱۹۶۵ و اصلاحیه ۲۰۰۸، ماده ۵ قانون مالکیت ادبی و هنری بلژیک مصوب ۱۹۹۴ و همچنین بند الف ماده ۱۰۱ قانون حق

مالکیت ادبی و هنری آمریکا مصوب ۱۹۸۸ از آثار ناشی از تألیف مشترک^۱ نام برده است که بسیار شبیه به همان آثار مشترک در حقوق فرانسه است. در حالی که در هیچ‌یک از مواد قوانین مذکور قانونگذار از اثر جمعی آن گونه که در حقوق فرانسه مطرح شده نامی نبرده است. همچنین در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ قانونگذار از اثر مشترک نام برده و در سایر قوانین موضوعه نامی از اثر جمعی نبرده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مفهوم اثر جمعی در همه نظام‌های حقوق نهادی شناخته شده نیست تا بتواند قالبی مناسب برای اثر چندرسانه‌ای باشد.

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد بهترین راه ایجاد یک نظام حمایتی خاص برای حمایت از آثار چندرسانه‌ای باشد. در آفرینش آثار چندرسانه‌ای نسل دوم که دارای پیچیدگی‌های خاصی هستند، اصولاً افراد زیادی مشارکت دارند و هزینه‌های کلانی برای تولید و بازاریابی این محصولات فکری انجام می‌شود. بنابراین نظام حمایتی حاکم بر این دسته آثار باید به گونه‌ای باشد که این مهم را مد نظر قرار داده و بسترهای لازم را برای جلوگیری از هر گونه عملی جاغله‌ای که بازاریابی هزینه‌ها را با دشواری روبرو می‌کند به عمل آورد. این نظام حمایتی خاص باید آثار چندرسانه‌ای را در کشورهای دارای رویکرد دوم به طور مطلق و در کشورهای دارای رویکرد اول در صورتی مورد حمایت قرار می‌دهد که اثر به خاطر عدم وجود اصالت در محتوا یا عدم ابراز مورد حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار نمی‌گیرد. چه بسا اگر اثر چندرسانه‌ای در آن واحد هم از طریق حقوق مالکیت ادبی و هنری و هم نظام حمایتی خاص مورد حمایت قرار گیرد برای پدیدآورنده یا تولیدکننده حقوق متعدد همسانی از جمله دو حق تکثیر یا دو حق عرضه برای وی پدید خواهد آمد که امری مطلوب به نظر نمی‌رسد. بنابراین اعمال همزمان حقوق مؤلف و حقوق حمایتی خاص نسبت به آثار چندرسانه‌ای موجبات ایجاد حقوق انحصاری همسان برای وی از دو شیوه متفاوت می‌شود که اقتدار نابجای زیادی را برای پدیدآورنده ایجاد خواهد نمود. نظام حمایتی خاص پیشنهادی در اینجا مکمل نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری می‌باشد و با نظام حمایتی خاص حاکم بر پایگاه‌های داده که در دستورالعمل ۱۱ مارس ۱۹۹۶ اتحادیه اروپا مقرر گردیده است متفاوت می‌باشد. در دستورالعمل اخیر در بند ۴ ماده ۷ آن حمایت همزمان از پایگاه داده را از طریق نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری و نظام حمایتی خاص فاقد اشکال دانسته است. این کار امری معقول و در راستای حمایت بیشتر از

1. Works of Joint Authorship

پدیدآورندگان پایگاه‌های داده و همچنین تولیدکنندگان پایگاه‌های داده که با سرمایه‌گذاری در بخش تولید و بازاریابی در جستجوی بازبایی سرمایه هزینه شده خود هستند می‌باشد (Davison, 2003: 58). دلیل آن هم این است که در پاراگراف الف و ب بند ۲ ماده ۷ دستورالعمل اعمال نظام حمایتی خاص بر پایگاه‌های داده را موجب ایجاد حق انحصاری استخراج و حق استفاده مجدد برای پدیدآورنده پایگاه دانسته است. این دو حق متفاوت از حقوق انحصاری ناشی از اعمال نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری است و در نتیجه احتمال ایجاد حقوق انحصاری همسان در نتیجه اعمال دو نظام حقوقی مذکور محال است. این امر در مورد آثار چندرسانه‌ای به دلیل عدم وجود تصریح قانونی صادق نیست. بنابراین در حال حاضر به نظر می‌رسد بهترین راه حمایت از آثار چندرسانه‌ای اعمال نظام حمایتی خاص در غیاب حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشد.

نکته قابل ذکر در اینجا وضعیت کنونی حمایت از آثار چندرسانه‌ای است. اعمال نظام حمایتی خاص نسبت به آثار چندرسانه‌ای صرفاً یک دکترین حقوقی است و در حال حاضر به علت جدید بودنشان نه تنها قانونگذاران بلکه رویه قضایی کشورهای مختلف مجال چندانی برای بررسی این دسته آثار نداشته است. با این حال در صورت عدم امکان اعمال نظام حمایتی خاص نسبت به این آثار به علت عدم تصریح قانونی می‌توان با تمسک جستن به قواعد عام مسئولیت مدنی و قواعد ناظر بر رقابت نامشروع از هر گونه عملی که موجبات نقض حق پدیدآورنده یا تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای می‌شود جلوگیری کرده و به عبارتی یک حمایت حداقلی را برای این آثار در غیاب نظام حقوقی مالکیت فکری ایجاد نمود. مزیت قواعد عام مسئولیت مدنی و قواعد ناظر بر رقابت نامشروع این است که این دو بعد جهانی دارند و در همه کشورها نسبت همه ساکنین آن‌ها صرف نظر از تابعیتشان اعمال می‌شوند. اما عیب بسیار بزرگ این دسته قواعد این است که اولاً، اعمالشان منوط به اثبات نقض حق توسط پدیدآورنده یا تولیدکننده آثار چندرسانه‌ای می‌باشد و این خود مقدمه تطویل احقاق حق و درگیر شدن در فرآیند پیچیده دادرسی می‌باشد. ثانیاً، این دسته قواعد برخلاف نظام حقوقی مالکیت فکری برای پدیدآورنده یا تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای حقوق انحصاری به رسمیت نمی‌شناسند و صرفاً حقوق اولیه‌ای نظیر عدم تجاوز به حقوق مادی یا معنوی افراد را مورد توجه قرار می‌دهند (ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹). بنابراین حمایت ناشی از دو دسته قواعد اخیر هرگز همسان با حمایت ناشی از نظام حقوق مالکیت فکری نیست. اما با این حال اعمال آن‌ها در غیاب نظام حقوقی مالکیت

فکری تا حدی موجبات اطمینان پدیدآورنده و تولیدکننده نسبت به احقاق حق در صورت نقض حقشان می‌شود.

آنچه در پایان این گفتار قابل ذکر است حقوق انحصاری ایجاد شده برای پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای در صورت اعمال نظام حمایتی خاص است. همان‌گونه که گفته شد اعمال نظام حمایتی خاص بر آثار چندرسانه‌ای در صورت عدم امکان اعمال نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری صرفاً یک دکتربین حقوقی است و در حال حاضر به علت جدید بودنشان در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی دنیا مورد توجه قانونگذاران قرار گرفته نشده‌اند. بنابراین فرض ایجاد حقوق انحصاری متفاوت از حقوق مالکیت ادبی و هنری در این مفهوم ممکن نیست. در نتیجه حقوق انحصاری مترتب بر این نظام حمایتی تا حد بسیار زیادی مشابه به حقوق انحصاری مترتب بر حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌باشد. این حقوق منقسم به دو قسم حقوق معنوی^۱ و حقوق مادی^۲ می‌شوند (حکمت‌نیا، ۱۳۸۷: ۴۶)، که در گفتار بعد به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- حقوق انحصاری پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای

همان‌گونه که گفته شد اثر چندرسانه‌ای در حال حاضر تابع نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری است و اعمال نظام حمایتی خاص برای پر کردن خلأ ناشی از عدم امکان اعمال نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری بر این آثار است. با این حال آثار چندرسانه‌ای به دلیل ویژگی‌های خاص خود دارای تفاوت‌هایی در نحوه ترتب حقوق انحصاری دارند که در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱- حقوق اقتصادی پدیدآورنده

با استناد به بند ۱ ماده ۱۶ قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸ و ماده ۱-۱۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ به عنوان دو نمونه از دو نظام حقوقی متفاوت می‌توان گفت حقوق مادی پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای به عنوان یک اثر فکری نسل جدید شامل دو عنوان کلی حق تکثیر و حق عرضه اثر برای عموم می‌شود (حق تعقیب مختص حقوق فرانسه و فقط ناظر به آثار هنرهای تجسمی و آثار خطی است و در مورد آثار چندرسانه‌ای قابل اعمال نیست). مطالعه تطبیقی در قوانین سایر کشورها

1. Moral Rights
2. Economic Rights

نشان می‌دهد اگر چه شکل بیان آن‌ها در تعیین حقوق اقتصادی پدیدآورنده متفاوت است، اما از لحاظ ماهوی همگی به نحوی بر وجود این دو حق تأکید دارند، از جمله ماده ۳ قانون حمایت از مصنفان، مؤلفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸. به استناد ماده ۳-۱۲۲ قانون مالکیت فکری فرانسه حق تکثیر عبارت است از: تثبیت مادی اثر به هر طریقی که موجب اطلاع‌رسانی اثر به عموم به طور غیرمستقیم گردد.

به استناد ماده ۲-۱۲۲ همین قانون حق عرضه عبارت است از: در اختیار عموم قرار دادن اثر به طور غیرمستقیم. آثار چندرسانه‌ای حسب مورد با توجه به تعاریف ارائه شده می‌توانند تکثیر و اجرا گردند، اما نکته قابل توجه این است از آنجا که این آثار صرفاً به صورت دیجیتالی هستند و وجود آن‌ها وابسته به راه‌اندازی رایانه است در نتیجه فرض نقض حق تکثیر و عرضه آن‌ها اغلب در فضای مجازی قابل تصور است؛ و احتمال نقض آن‌ها در این فضا بیشتر مبتلا به می‌باشد. در نتیجه باید گفت اگر چه آثار چندرسانه‌ای ترکیبی از آثار فکری مختلف در قالب حاملی واحد است اما تکثیر و عرضه آن در فضای مجازی به علت قابلیت دیجیتالی آن‌ها بسیار فراگیرتر است. با این حال تکثیر مادی آن‌ها هم دور از ذهن نمی‌باشد، مانند زمانی که اثر چندرسانه‌ای در قالب سی‌دی تثبیت شده و سپس تکثیر شود یا اینکه برای عموم عرضه گردد. با این حال امروزه با توجه به اینکه فن‌آوری ناظر به توزیع دیجیتالی اطلاعات در سطح فضای مجازی پیشرفت فراوانی داشته است فرض تکثیر مادی آثار چندرسانه‌ای امری فراموش شده است.

۳-۲- حقوق معنوی پدیدآورنده

حقوق معنوی پدیدآورنده ناظر به مزایای غیرمادی مربوط به شخصیت پدیدآورنده اثر فکری است (صفایی، صادقی و محسنی، ۱۳۸۵: ۲). با جمع ماده ۷۷ قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸ و مواد ۲-۱۲۱ و ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۹۲ و ماده ۱۴ قانون مالکیت فکری اسپانیا مصوب ۱۹۹۶ حقوق اخلاقی پدیدآورنده شامل چهار عنوان حق افشاء، حق سرپرستی، حق تمامیت اثر و حق پشیمانی و بازستانی اثر می‌باشد که در ادامه نحوه اعمال آن‌ها در مورد اثر چندرسانه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد. حق افشاء، عبارت است از حق اتخاذ تصمیم در رابطه با انتشار یا عدم انتشار و تعیین نحوه انتشار اثر توسط پدیدآورنده (بند ۱ ماده ۱۴ قانون مالکیت فکری اسپانیا و ماده ۲-۱۱۲ قانون مالکیت فکری فرانسه). در فضای دیجیتال که کنترل اثر تکثیر یافته بسیار دشوار است، امکان تصمیم در رابطه با انتشار اثری توسط پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای که همان ویرایشگر اثر

محسوب می‌شود امری معقول است. با این حال از آنجا که آفرینش آثار چندرسانه‌ای مستلزم هزینه‌های بالایی می‌باشد، اکثریت قریب به اتفاق موارد این هزینه‌ها را شخصی به نام تولیدکننده به عهده می‌گیرد. ویراشگر در صورتی دارای حق افشاء می‌باشد که در عین حال تولیدکننده هم باشد در غیر این صورت شناسایی حق افشاء بدون در نظر گرفتن منافع تولیدکننده که هزینه‌های زیادی را در راستای تولید و بازاریابی اثر کرده است امری نامعقول بوده و باعث ضرر زدن به منافع تولیدکننده اثر می‌باشد. بنابراین اعمال حق افشاء توسط پدیدآورنده در این آثار در مقایسه با سایر آثار ادبی و هنری بسیار محدودتر می‌باشد.

حق سرپرستی عبارت است از، حق انتساب اثر به پدید آورنده آن (ماده ۷۷ قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸ و ماده ۱-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه و ماده ۱۸ قانون حمایت از مصنفان، مؤلفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸). حق سرپرستی یکی از حقوق مسلم پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای است. این حق به ویراشگر اثر چندرسانه‌ای تعلق می‌گیرد صرف نظر از اینکه وی تولیدکننده اثر باشد یا خیر و صرف نظر از اینکه اثر را در قالب قرارداد کار یا قرارداد سفارش یا به صورت مستقل آفریده باشد. ویرایشگر که پدیدآورنده اثر می‌باشد، این حق را دارد که نام خود را بر روی حامل اثر چندرسانه‌ای ذکر نماید یا از نام مستعار استفاده نماید و یا از ذکر نام خود خودداری نماید.

حق تمامیت اثر عبارت است از، حق ممانعت از هر گونه تغییر یا تحریف اثر توسط اشخاص ثالث (بند ۴ ماده ۱۴ قانون مالکیت فکری اسپانیا مصوب ۱۹۹۶). شناسایی حق تمامیت اثر، برای پدیدآورنده نقطه اختلاف بین حقوق کاربر در استفاده از اثر و حقوق پدیدآورنده در حمایت از اثر است. اثر چندرسانه‌ای اثری متعامل است یعنی کاربر در راستای استفاده متعارف از اثر می‌تواند محتوای آن را تغییر دهد که مضر به حقوق پدیدآورنده است و از طرفی دیگر پدیدآورنده می‌تواند مانع هرگونه تغییر در محتوای اثر شود که مضر به حقوق کاربر است. به منظور جمع بین حقوق کاربر و پدیدآورنده می‌توان گفت کاربر فقط حق تغییر محتوای اثر در راستای تحقق تعامل تا آن میزانی را دارد که پدیدآورنده هنگام آفرینش اثر تعیین کرده است. همچنین رعایت این مرزبندی نقطه جمع بین حقوق طرفین و شناسایی حق تمامیت پدیدآورنده است.

حق پشیمانی و بازستانی اثر عبارت است از، حق بازگرداندن اثر از چرخه اقتصاد پس از انتشار آن (ماده ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه و بند ۶ ماده ۱۴ قانون مالکیت فکری اسپانیا مصوب ۱۹۹۶). به نظر می‌رسد که پذیرش حق پشیمانی و بازستانی اثر در مورد آثار

چندرسانه‌ای قابل قبول نباشد. دلیل عدم پذیرش این حق در مورد آثار چندرسانه‌ای این است که اولاً، بازگردانی اثری که به طور دیجیتالی و در فضای مجازی تکثیر شده است بسیار دشوار و پرهزینه است به نحوی که ممکن است منافع پدیدآورنده را با عسر و حرج روبرو سازد. ثانیاً، بازگردانی اثر باعث تضرر به منافع تولیدکننده اثر می‌شود؛ چرا که وی با سرمایه‌گذاری‌های فراوان در مرحله تولید و بازاریابی بر آن بوده است که پس از تکثیر و عرضه این آثار هزینه‌های تخصیص یافته خود را جبران نماید. همچنین بازستانی اثر منجر به تضییع این حق شده و در نهایت بازستانی اثر منجر به نقض قراردادهای ناظر به انتقال حقوق اقتصادی ناشی از اثر می‌شود. بنابراین پذیرش حق بازستانی اثر در مورد آثار چندرسانه‌ای با توجه به دلایل گفته شده قابل قبول نیست.

نکته‌ای که در آخر ذکر آن ضروری به نظر می‌رسد ناظر به چگونگی تعلق حقوق انحصاری آثار چندرسانه‌ای می‌باشد که در گفتار دوم به طور مختصر به آن اشاره‌ای گردید. در صورتی که ویرایشگر اثر (پدیدآورنده) خود هزینه‌های تولید و بازاریابی اثر را بر عهده گرفته باشد، در این صورت نه تنها حقوق اخلاقی بلکه حقوق اقتصادی ناشی از اثر هم متعلق به ایشان می‌باشد. اما در صورتی که شخص دیگری (تولیدکننده) هزینه‌های تولید و بازاریابی اثر را به عهده گرفته باشد، در این صورت حقوق اقتصادی اثر به شخص اخیر تعلق می‌گیرد. همچنین وی بر حسب توافق با پدیدآورنده اثر کارمزد و غرامت لازمه را به وی می‌پردازد، اعم از اینکه پدیدآورنده این کار را در قابل قرارداد کار یا قرارداد سفارش و یا به صورت مستقل انجام داده باشد.

نتیجه‌گیری

آثار چندرسانه‌ای محصول جدید فن‌آوری در عصر اطلاعات هستند که به دلیل دارا بودن سه ویژگی دیجیتالی بودن، ترکیب یکپارچه آثار در قالبی واحد و قابلیت تعاملی قابل توجه با کاربر به طور همزمان از سایر آثار فکری شناخته شده متمایز می‌شوند.

بهترین نظام در راستای حمایت از آثار چندرسانه‌ای نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری است، مشروط بر اینکه اثر چندرسانه‌ای در نحوه تنظیم و چیدمان محتوای خود اصالت داشته و به نحوی از انحاء ابراز گردیده باشد.

نظام حمایتی خاص حاکم بر آثار چندرسانه‌ای به‌رغم نظام حمایتی خاص حاکم بر پایگاه‌های داده مکمل نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری است، به این معنی که در صورتی نسبت به اثر

چندرسانه‌ای اعمال می‌شود که آن اثر به واسطه فقدان اصالت در تنظیم و چیدمان محتوا یا عدم ابراز و یا به طور کلی عدم حمایت در نظام‌هایی حقوقی که حمایت از اثر را محدود به مصادیق مصرحه قانونی می‌کند، نتواند مورد حمایت نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری قرار گیرد.

در برخی از قوانین کشورمان در مواردی قانونگذار مصادیقی از اثر چندرسانه‌ای را مورد حمایت قرار داده است، اما با این حال فاقد راه‌حل کلی برای حمایت از این آثار است. در حال حاضر با توجه به اینکه ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مصنفان، مؤلفان و هنرمندان حمایت از آثار ادبی و هنری را محدود به موارد مصرحه در قانون می‌نماید و در موارد مصرحه نامی از اثر چندرسانه‌ای نمی‌باشد، در نتیجه قانونگذار جز در مواردی که برخی از مصادیق آثار چندرسانه‌ای را مورد حمایت قرار داده است. در سایر موارد ساکت است.

قواعد عام مسئولیت مدنی و قواعد ناظر بر رقابت نامشروع می‌توانند در صورت غیاب نظام حقوقی مالکیت فکری حمایتی حداقلی را برای پدیدآورنده و تولیدکننده اثر چندرسانه‌ای فراهم نمایند.

حقوق انحصاری پدیدآورنده اثر چندرسانه‌ای تا حد زیادی مشابه حقوق انحصاری پدیدآورنده یک اثر ادبی و هنری سنتی می‌باشد. با این حال در مواردی که برخی ابعاد اثر چندرسانه‌ای با این حقوق انحصاری ناهماهنگ باشد، حقوق اخیر اعمال نخواهند شد. نظیر عدم امکان شناسایی حق اخلاقی پشیمانی و بازستانی به دلیل بعد دیجیتالی اثر چندرسانه‌ای در مواردی که اثر به صورت مادی نظیر سی‌دی و غیره توزیع نشده باشد.

منابع

الف - فارسی

۱. حکمت‌نیا، محمود؛ *مبانی مالکیت فکری*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۲. زرکلام، ستار؛ *حقوق مالکیت ادبی و هنری*، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۳. کلمبه، کلود؛ *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*، محمدزاده وادقانی، علیرضا، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۴. صفایی، سید حسین؛ صادقی، محسن؛ محسنی، حسن؛ «مطالعه تطبیقی پدیدآورندگان حقوق ادبی و هنری و حقوق مرتبط»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ۱۳۸۵، دوره ۱۰، شماره ۳.
۵. محمدزاده وادقانی، محمد؛ «تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری»، فصلنامه حقوق، ۱۳۸۷، دوره ۳۸، شماره ۲.

ب- لاتین

6. **Agreement on Trade-related aspects of intellectual property rights**, 1994.
7. **Case, cour de cassation**, Ass. plen. 7 mars 1986.
8. Cornish, William; 2003, *Intellectual Property*, Fourth Edition, Sweet and Maxwell, London.
9. Cotter, Anne-Marie; 2003, *Intellectual Property*, First Edition, Cavendish Publishing, London.
10. Davison, Mark j; 2004, *The Legal Protection of Databases*, First Edition, Cambridge University Press, USA.
11. Dinwoodie, Greame & Janis, Mark; 2008, *Trademark Law and Theory*, Edward Elgar Publishing Inc, Massachusettes, USA.
12. **Directive 96 / 9 / EC of European Parliament and of the Council on Legal Protection of Databases**, 1996.
13. Edelman, B; 1995, *multimédia l'oeuvre, un essai de qalifacation*, 15 recueil Dalloz siery, paris.
14. Feldman, Lee; 1991, *The Multimedia in the 1990s*, Sweet and Maxwell, British Library, London.
15. Liestol, Gunner & Morrison, Andrew & Rasmussen, Terje; 2003, *Digital Media Revisited*, Massachusetts Institute of Technology, USA.
16. Raysam, R., & Brown, P., & Neuburger, J; 1996, *Multimedia Law: Forms and Analysis*, Second Edition, Law Journal Seminar Press, New York, USA.
17. Sirinelli, p; 1995, *le multimédia*, lamy institute, paris.
18. Stamatoudi, Irini A; 2003, *Copyright and Multimedia Products*, Third Edition, Cambridge University Press.
19. Sterling, J.A.L; 2003, *World Copyright Law*, Second Edition, Sweet and Maxwell, London.
20. Sundara, Mira T; 2006, *Copyright and Creative Freedom*, First Edition, Routledge-Taylor and Francis Group, London.
21. Torremans, Paul & Shan, Hailing & Erauw, Johan; 2007, *Intellectual Property and TRIPs Compliance*, Edward Elgar Publishing, University of Gent, Belgium.
22. Williams, A., & Calow, D., & Lee, A; 1996, *Multimedia: Contracts, Rights and Licensing*, Law and Tax Institute, London.

ج- قوانین و مقررات

۲۳. قانون مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط آلمان، مصوب ۱۹۶۵ و اصلاحیه ۲۰۰۸.

۲۴. قانون حق مالکیت ادبی و هنری آمریکا مصوب ۱۹۸۸.

۲۵. قانون مالکیت فکری اسپانیا مصوب ۱۹۹۶.
۲۶. قانون مالکیت ادبی و هنری بلژیک مصوب ۱۹۹۴.
۲۷. قانون حمایت از مصنفان، مؤلفان و هنرمندان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۴۸.
۲۸. قانون حمایت از نرم افزارهای رایانه‌ای جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹.
۲۹. قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲.
۳۰. قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹.
۳۱. قانون حق مؤلف، طرح‌های صنعتی و اختراعات انگلستان مصوب ۱۹۸۸.
۳۲. قانون مالکیت فکری فرانسه مصوب ۱۹۵۷ و اصلاحیه ۱۹۸۵ و ۱۹۹۲.
۳۳. قانون حق مؤلف یونان مصوب ۱۹۹۳.
34. Bern Convention for Protection of Literary and Artistic Works, 1886 (last amendment on 1979).
35. Choe, J; 1994, Interactive Multimedia: A New Technology Tests the Limits of Copyright Law, First Edition, Rutgers Law Review Institute.